



## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمین و تحیات برگزیده بجز الصاویقین بعدہ ہینچران کہن لعل شاہجہان پوری  
 بموجب حکم محکم صاحب جلیل المناقب عزیز پرورد عدالت گستر عالم باہل کے علم قول و فعلش  
 متادی الحركات است و طبع صفا پیمائش چوں عقل اول مصروف اعتدال قوام  
 امرجہ خواص و عام تنظیم الدولہ چالیس مشکلف صاحب بہادر و ام اقبال و عم نوالہ احوال  
 بلدہ فرخندہ بنیاد حیدرآباد مشتمل بر دو آزدہ فصل بقید تسلیم آورد **فصل اول** مشتمل بر  
 کیفیت اولاد و احفاد میر قمر الدین خاں مخاطب باصف جاہ چین قلیج خان جاگم بلدہ مذکور  
**فصل دوم** مشتمل بر کیفیت امرای کیفیت ریاست آصفیہ از فرقہ اہل اسلام **فصل سوم**  
 در احوال فرقہ ہنود بلند گروہ ریاست سطور **فصل چہارم** در کیفیت زمینہ اران علاقہ  
 فرخندہ بنیاد و شرح نظامت ایچپور و کیفیت منصبداران و آسامی جاگیر داران بقید  
 بقید پیمہ آہنا **فصل پنجم** در تفصیل تعلقہ جات **فصل ششم** در کیفیت تعلقہ جات **فصل ہفتم**  
 در شرح جاگیر داران ذات و جمعیت **فصل ہشتم** در القاب و خطاب مسلمان و ہنود کہ در عہد  
 غفرانہاں و رئیس حال لقب شدند **فصل نہم** ہمہ گوشوارہ جمعیت سپاہ و داخل و خارج ملک  
**فصل دہم** در کوائف افغانان ہمدوی و عرب و غیرہ **فصل یازدہم** در بعض مراتب ضروری الشیخ  
**فصل دوازدہم** در حصائل و ردیہ اہل بلدہ مذکور **نظم**

حسب ایمائے صاحب مشکف من مفصل نوشتہ امین اجسال

ہمتے صرف کردہ ام ورنہ یک بیک استماع بود محال

سال تاریخ بر زمین سخن شده نازل از آسمان خیال

مشعل ماه را کبف دارد نسخه یادگار کهن لعل

**فصل اول** در ذکر اولاد آصف جاه مرحوم سلسله خاندان میر قمر الدین جهان مخاطب  
به آصف جاه بدین متول است که جد مادرش سعد الله خان وزیر اعظم صاحب قرائت  
شاه جهان و پدر پدری او میر عابد خان سمرقندی بدله بخاری بن میر اسماعیل ملک العلماء بخاری  
از اصفا و شیخ شهاب الدین سمرقندی که عهد شاه جهان با او شاه دار و شاه جهان آباد شده  
روانده حج بیت الله شده بعد از آنکه آرائی شاهزاده محمد قمر الدین اورنگ زیب از بیت الله آمد  
بتدریج بمنصب پنجماری عزت امتیاز یافت به خدمت صدارت کل مامور بود در محاصره قلعه  
کولکنده در ۱۰۹۸ هجری که هزار و نود و هشت هجری بزخم گوله گولی جان فشان بود محمد امین خان اعتماد  
الدوله پسر خواجه بهاد الدین قاضی که برادر زاده نواب عابد خان میشود مشاغل اله مذکور مع قمر الدین خان  
در سلطنت بادشاه موصوف دارد گردیده بجاگیر جمعیت منخرن بوده در عهد محمد فرخ سیر خشی  
گری دوم با استقلال داشت و آخر بر پایه وزارت قدم نهاد الا بعد خلعت وزارت اجل فرصت  
نداده رایانم نمود و در گذشت خلف عابد خان میر شهاب الدین رفته بمنصب مفت بخاری  
باضافه فقره فرزند احمد بن خطاب غاز الدین خان پسر و نایب صوبه دکن گجرات و غیره بعد از او  
پدر بجای پدر فرخ جمعیت علمیه را بنا نهاد و در ۱۱۱۱ هجری در کابل و در ۱۱۱۲ هجری  
از ایران جهان کوس رحلت نمود و کونک نعلبه او میر قمر الدین خان که سال دلاوتش نیکبخت بود  
است بخطاب چین قسبلج خان و منصب پنجماری سر بلندی و پسر خطاب خان دوران و  
صوبه واری او ده عز امتیاز یافت در اول سال جلوس محمد فرخ سیر بادشاه بخطاب  
نظام الملک و حکومت سبتهل مراد آباد ماورثه بعد از آن بصوبه واری مالوه سر برافراخت  
پد حسین علیخان وزیر از اختلاف مذاهب تغیری نظام الملک و طلب او بجنور تجویز داشت  
نظام الملک قصد تسخیر کنه پیش نهاد همت کرده ۱۱۳۲ هجری که هزار و یکصد و سی و دو هجری

از مالوه متوجه دکن شد و بلده برهانه پور از انورخان و قلعہ آسیر از طالب خان بصلح و موافقت  
 تذاہیر بدست آورد و ششم شوال همین سال با سید عالم علیخان برادرزاده حسین علیخان  
 مرحوم وزیر که به بصوبہ داری آوزنگ آباد امور بود محاربه افتاد بعد کشته شدن عالم علیخان  
 بر قلعہ دولت آباد صوبہ آوزنگ آباد قاضی و متصرف گردید نظام الملک در ۱۱۳۳ هجری یک هزار  
 و یکصد و سی و چهار ہجری از دکن بشاہ جهان آباد رسید پنجہ جمادی الاول بخلعت وزارت و  
 خطاب آصفجاہ مخلص گردید و ضمیر وزارت و ایالت دکن بصوبہ داری گجرات و مالوہ علم ماموری بر  
 فراخت حاج خان عم خوراناہب نظامت گجرات کرده بہ مالوہ شتافت و بنا بہت مالوہ بہ  
 عظیم اندر خان پسر عابد خان تفویض نمود بہمان سال بشاہ جهان آباد رسیدہ بجلد ہی جن کاروانی  
 ماہور الطاف خسروانی شدہ بدکن مراجعت کرد و در ۱۱۶۶ هجری یک هزار و یکصد و شصت و شش  
 ہجری بجنور بصوبہ داری صوبہ اکبر آباد و مالوہ تفویض یافت نہم ذیحجہ ۱۱۵۲ هجری یک هزار و یکصد  
 و پنجاہ و دو ہجری نادر شاہ وارد شاہ جهان آباد گشت آصف جاہ در ۱۱۵۳ هجری یک هزار و یکصد و  
 پنجاہ و سہ ہجری غازی الدین خان پسر کلان خود را بعبہ کبیل مطلق و بخشی گری کل فوج  
 و نظامت خود در جنور محترم شاہ گذاشتہ بخود بدکن آمد میر احمد خان ناصر جنگ پسر و  
 بھی کہ بنا بہت پروردکن بود انحراف در زید و در ۱۱۵۴ هجری در سواد خوب رویہ آوزنگ آباد  
 جنگ واقع شدہ زندہ دستگیر شد چند روز ترک لباس نمود آصف جاہ بمقتضای ترحم  
 پسر آبیش خود جلبیدہ ہر روز در بار بار دادہ آئین تربیت و آگاہی امور ریاست منظور  
 میداشت و در ۱۱۶۱ هجری در سواد برہان پور آصفجاہ و ودیعت حیات سپرد و قبل از دو ساعت میر  
 احمد خان ناصر جنگ را در ہر و نشا پندہ ہفت و نہایح ارشاد و نمود اول بر شہس دکن لازم است  
 کہ ہر گاہ سلامتی نفس ذاتی از جنگ و جدل و افزائش و آبادی ملک خود خواستہ باشد  
 باید کہ بامر مہ کہ زمین و در این ملک انداختنی دار و تا مقدور سررشتہ آشتی را بر ہم نہ زند و در  
 سورت لاچارگی ناچار است دوم در انہدام بنی آدم کہ بنیاد ساختہ رب العالمین است تا مل بکار  
 بردوشل نوشتہ گندم و جو از میت کہ ہر سال از کشتکار روید مگر قوم را بقاصنی کہ تحمل او از خطیر

است تفویض نماید که او موافق شرع شریف هر چه حکم کند بجا آورد از حکم خود قتل نکند مردم  
 زندگی خود و امور ممالک را منحصر سفر و اندوختن منزل نو و آب نو و سایه خمیه را در هیچ  
 حال از دست ندهد که حق تعالی در کلام مجید فرموده است فیر و فی الاصل انما تمیت از سفر  
 و بسا انتظام ریاست در جهان گروی است مگر وقفه بقدر ایام عیال و فی ضرورت است که جمیع  
 جانوران و انسان را در این ایام تکلیف میشود تعییناتی سپاه هم با و طان آنها منظور باشد  
 که قطع نسل نشود چهارم کارهای جمیع خدایق را محض از افضال الهی متعلق بخود دانسته باید  
 که بعد ادای فرض و واجب اوقات عزیز خود را تنظیم امور متعلقه تقسیم نماید و خود را بکار  
 نداشته محاسبه شبانه روز خود از امور دنیا و دین میگرفت که باشند که عاقبت بخیر گردد  
 پنجم بشناسند که بنامی دولت با بمیاس انفاس بزرگانست چنانچه در ابتدای تعلق  
 پادشاهی سعادت باین خاندان تعلق داشت و من تا اینوقت که زمان رحلت است تویر  
 و تنظیم فرقه دعا گو که بدو آن لشکر و غایبکاری آید از همه امور دنیوی مقدم بر سایر امور  
 ریاست دانسته است و اهمیت از فقر او عزت باک باب الله اند میگردم و سبقت  
 در سلام که سنت محمد است بجامی آوردم باید که همین شیوه بر خود مرعی داشته باشند  
 ششم زمین و آسمان از قدیم است و خلق الله هم قدیم پس در نیصورت زمین فقط حصه خود  
 ندانسته اطلاق حق کسی نکند و آئین مورث ملحوظ داشته باشند مضموم کن که عبارت  
 سلطنت از شش صوبه است این معنی از مطالعه تواریخ و وضع میشود که پیش ازین در هر  
 صوبه پادشاهی بود و می الا حشام مستقل لگو کجا از فرقه سپاه پرورش می نمودند الحال اینهمه  
 زمین از عهد حضرت خلدیرکان بیک کس تعلق گرفته رفته رفته حضرت حق سبحانه تعالی محض بکرم  
 خود چیزی من عاصی را عطا فرموده بر سر خدایق رئیس ساخته تا اینوقت آنچه که پاسبانی خدایق  
 و کم و بیش قدر دانی مخلوق بود پرده خستم سزاوار آنست که خبر گیری خاندان و امور بدون مردم  
 بکارها بر سر کار خود نوبت بنوبت چه از فرقه اسلام و بنود تبدیل سال بسال نهایت دو سال  
 از جمله واجبات دانسته می نموده باشند که دیگران محروم مانند سرشته این کار چه از خود چه از پیش  
 روان خود پیوسته جاری دارند تا که درین مدت عسر این همه مردم را که هر واحد با آفتاب

جواهر تازه ایست بی بها بلطف و عنایات جمع کرده ایم و در بیخ حال قدر اینها از دست نداده سخت  
 دست اینها برداشت نموده بیکار ندارد بکار لایقه مامور سازند هشتم برادران صغیر خود را بجای  
 فرزندان خود دانسته پرورش نماید و به تربیت آنها کوشش بلیغ فرماید و از افزونی قدر و منزلت  
 آنها خاطر مبذول دارد که غم خوارانند و اول بدانند که این همه با قوت بازو تقویت ناموس اندر هر گاه  
 مرفیع حال خواهند بود هرگز زوال دولت نخواهند خواست و قیقت که اگر سنده و مفلسی باشد سلطنت  
 آصفیه را بخیالفت مخالفان جهت قطع زمین خواهند فروخت و بدایت محی الدین خانرا از جمله فرزندان  
 خود تصور نموده بشفقت و عنایات از او خود گرداند و در صد و شکست او نباشد گوش بر سخن  
 غمازان نهند و عوام اندل را در خلوت مجلس خود ببارند هندی که سعیت سلطنت رازیان دارد و  
 از غرور باریابی حضور خلق خدا را برای تمام خواهند و هشتم ادنی از بکار عمده و عمده را بکار ادنی  
 مامور سازند که نارسائی ادبی اعتنائی این کار را صنایع می سازد چه تقرر دیوانی به پورسچند که محض  
 آدمی بی رتبه بود از برای اینکه امرای حضور قدر کار دیوانی بیاندازند است در هر امر تکالیف  
 شاقه میکردند نظر به نفس شکنی و نادیب آنها و بر این کار مامور ساختم کار فرما درست باشد کارکن  
 هر که باشد پورسچند آدم خوب و تحصیل زر قبایله سرکار از آیین برین معرض وصول می آرد اگر دو سه  
 سال بکار مامورده بحال باشد می شاید باز مختار اند و در همه حال یقین دانند که ریاست دکن موقوف  
 بر عالم بندگی و نوکریست باید که آداب ظل سبحانی را در بیخ حال از خود فوت نکنند که از امر ادب  
 شکنی عند الله ماخوذ و عند الناس مطعون خواهند بود چنانچه نادر شاه قهرمان ایران و قیقت که  
 در وطنی رسید روزی بغرط عنایات ما را بطلای سلطنت خطاب کردی الفوریان  
 عرض کردم که مردم از قدیم با عن همد نوکری پیشه ایم از نیعی ملک حرامی مشهور خواهیم شد  
 و حضرت را بدعوی و بد قومی شهرت خواهند داد از اینجا که ذات شریف سخن سنج بود محفوظ  
 شده آفرین گفت باز هشتم تا مقدور از خود در جنگ اقدام نکنند هر چند که جمعیت  
 طرفشانی قلیل و کمتر باشد غیرت الهی دلیری را نمی پسندد و ناممکن باید که بر فاع کوشد و چون  
 دانند که طرفشانی مبادرت می نماید ناگزیر حق طرف خود قائم کرده بجزوالتحاج اسمداد حق  
 سباز تعالی خواسته بر مکان خود ثابت قدم و راسخ باشد و تا مقدر روزینهار

و بقصد جنگ نکنند چرا که فتح بید اختیار اوست. و دوازده سهم از سباییکه از فتنه  
 لایزال و دالحدال آنچه موجود است اگر قدم بقدم من گذاشته صرف نماید تقسین که طبقه  
 بطبقه و فا خواهد کرد و الا زیاد از دوسه سال کفاف نخواهد کرد. سیزدهم اینهمه خزانه که در دست  
 موجود است از برای و بعضی سپاه و سایر لشکر خصوص از بودن خزانه ساها کار پیوسته آباد  
 می باشند و از آبادی اینها مخالف و لشکر خود بخود پریشان و متلاشی می شود الحمد لله از ابتدای  
 انتظام این دولت هنگام رحلت حق سپاه از سه ماه زیاد بر خود باقی ندارم. اما با وجود این از سپاه  
 خود آنقدر می رسم که از سپاه مخالف نمی ترسم باید که در همه حال آنها را از خود بیدل نذارند که  
 هر حال رسیق و باعزت انتظام دولت و ناموس اند. چهاردهم بقصد ضای بشریت امر تا  
 با یستی درین پیری از من سرزده حال که محل نوقر یافت از اینجا که مقدمه ناموس است  
 پاس آن در همه حال قابل لحاظ که انگشت اعتراض بلند نشود پانزدهم زمار داران  
 و کتی همه قابل کشتنی و کردن زدن اند خصوص سرگروه این قوم دو کافر مذکی می نمود و دیگر  
 را مد آن که بر هم زن کاشانه صد ساله اند و قلعه محکم تر قید کرده ام در قید و استثنای آنها انتظام  
 دولت خود اند هرگز از قید خلاص نه سازد و لغت پیشت خانه که در عالم مشهور است عبارت  
 از قید کردن این مردم است. شانزدهم از مردمان برهانپور حتر از باید کرد که درین مدت  
 کثر تجرید رسیده که مردم برهانپور و بیجا پور مثل مردم کشور اند از صحبت اینها نامقدور  
 کناره کشند هفتدهم بحال بروید مردم کارخانه را بر کارخانهجات مامور کنید و هر یک  
 را بتا کید و تقید تمام قائم سازند که مهلت از دوسه ساعت زیافه نمی شود شمارا بجدای کریم  
 سپردیم بدایت نصیب باد و در همه حال نصیر و مسین شما باشد و سایه حق سبحانه افضال  
 خود را از سر شما بازگیر و والسلام علیکم - قطع

برخیز که وقت افتراق است امروز با محنت درو اتفاق است امروز  
 ای دیده رخ وصال دیدی بچند خون بار که نوبت افتراق است امروز  
 محمد شاه بادشاه و قمرالدین خان وزیر اعظم پدر معین الملک عرف میر نور محمد ابراهیم  
 و آصف جاه در همین سال از جهان فانی در گذشتند موت شاه وزیر آصف جاه

انوارالدینخان گویا ماموی جد و الاجاه حاکم چینیاپن که از جانب آصف جاه قبل از یک سال بمهم  
 کرناٹک مامور بود احوال شورش و فساد هدایت محی الدینخان دخترزاده آصفجاه از بطن محمد سلیم  
 که منسوب از متوسل خان بود که بانتظام صوبه بیجا پور متعین بود باتفاق حسین دوست خان اهل  
 نوایت حاکم ارکاٹ که نمک حرامی و مفسدی در قوم نوایت مخیر است باموسی بهوسی قوم فراسیس  
 موافقت نموده برای دخل ریاست دکن باعانت موسی مذکور ترکیب حرکات ناپسندیده گردید  
 ناصر جنگ که قائم مقام آصفجاه بود در ۱۱۶۲ هـ دفع فساد کرناٹک و اعانت انوارالدینخان با فوجی  
 کراپانہنت کرده خان مذکور را دستگیر نمود انوارالدینخان در جنگ موسی مذکور حسین دوست خان  
 در ۱۱۶۳ هـ کشته شده ناصر جنگ تقریب رفاقت همت خان و غیره افاغنه کرنول و کراپاک در  
 باطن از هدایت محی الدینخان موافق بودند بنا بران ناصر جنگ امیری لشکر جمعیت خود ملاحظه نمود  
 اراده رفتن نزد افاغنه مذکور نمود هر چند فیلبان گفت حال نمک حرامی آنها و مانعت در تشریف  
 بردن ظاهر نمود لیکن از عدم تجربه فائده نه بخشید آخرو به میان در ۱۱۶۴ هـ ناصر جنگ را بر ختم گوی  
 شهید کردند و هدایت محی الدینخان بجای ناصر جنگ قرار گرفت چون همت خان بی التماس  
 دیدیح و بکر افاغنه سرسواری مقابل نمود هدایت محی الدینخان و همت خان هر دو کشته شدند  
 سید محمد خان صلابت جنگ پسر موسی آصف جاه بر مسند ریاست نشست راؤ  
 پنڈت برومان عرصه خالی دیده بملک بر بانپور و بیجا پور متصرف گشت صلابت جنگ  
 مطلع شده در ۱۱۶۵ هـ مقابلہ نمود و پنڈت بردہان بر ہنہ سرفراز شده جان لہلاست  
 برد خیالم و اموال بسیار مردم موسی بهوسی که شجون زوہ بود ندیدست در آمدورین سال  
 غازی الدین خان فیروز جنگ برائے خصاص برادر عینی خود از افغانان در اوژنگ آباد رسیده  
 والدہ صلابت جنگ بصیافت او بزہر پرداختت همان شب غازی الدین خان شهید شد  
 و این اثنایر نظام علیخان پسر چہارم آصف جاه از صوبہ برار باوزنگ آباد رسیده حیدر جنگ  
 را کہ بتنی خواجہ عبداللہ خان وکیل موسی بهوسی مذکور بود نامبرده را بحمیمہ خود طلبیده از جان کشت  
 سبب این بود کہ بسبب محیط شدن حیدر جنگ در امور ریاست دکن ارادہ این داشت کہ نظام علیخان  
 را کہ شرارہ آتشیں می نماید قید کند الغرض در ۱۱۶۵ هـ نظام علیخان با ستمداد و فرط تدبیر سبالتت



پسر نجفی حضرت آب که در این آوان بظاہر نام خدمت دیوانی داشت جمعیت فراهم ساخته به  
 بر بانپور رفته زیب النساء بیگم دختر قایم علیخان را در نکاح آورده سه لک روپیہ از ساہوان آنجا  
 قرض گرفته نوعی درستی پیاہ خود ساخته بود روانہ شدن موسی بہوسی یہ پھول چرمی و خالی شدن  
 میدان حسب الطلب بسالت جنگ مذکور باز آمدہ صلالت جنگ را برای نام بحال داشته  
 ہمہ سر رشتہ کار باختیار خود آورد بسالت جنگ قبل از رسیدن نظام علیخان و سبب ہنگامہ سپاہ  
 و تقاضای طلب تنخواہ بہ دونی را بچو کہ جاگیر او بود رفته بود نظام علیخان در ششہ صلالت جنگ  
 را بسبب فطور نمودن از مرہ و قلعہ محمد آباد بیدر قید کردہ بطلب فرمان شاہ عالم بادشاہ خطاب  
 آصفیہ بنام خود بر ریاست مسلط گشت صلالت جنگ را بہ قلعہ محمد نگر محمد جیو سخا ترا ہمراہ نمودہ  
 مقید نمودہ در آنوقت فتح مند خان قلعہ دار آنجا بود حسب الحکم میر نظام علیخان محمد جیون خان منوچہ  
 در ششہ صلالت جنگ را گشت دور جلد وی بہان کار از قلعہ داری محمد نگر سرفرازی یافت  
 چنانچہ بعد از آن پسرش محمد عبدالرحیم خان قلعہ دار آنجا کردہ و بعد فوت آن کبیر خان است بنیرہ  
 فرزند آن حضرت منقرت آب بی بی بیگم صاحبہ کہ صبیہ نجیب اللہ خان والاشاہی بود در رسم نکاح  
 و شادی ایشان در او رنگ آباد شدہ خان مغزیہ از اقربائی حمید الملک سعد اللہ خان وزیر  
 شاہ جہاں بادشاہ بودند ایشان لا ولد فوت شدند و از بطن سید النساء بیگم کہ از نسل سادات است  
 و نکاح ہم کردیدہ غازی الدین خان فیروز جنگ فرزند اول و میر احمد خان ناصر جنگ بہادر دوی  
 و بادشاہ بیگم از بابا خان مخاطب بہ منصور جنگ فرزند بادشاہ بخارہ منسوب شد و محبت بیگم بہ  
 متوسل خان پدربہایت الدین خان و فیروز جنگ منسوب بہ زیب النساء بیگم صبیہ نواب تھر الدین خان  
 وزیر الممالک و ہشتارالیہ بود کشتہ شدن خان دورانخان در جنگ بادشاہی بخطاب امیر الامرای  
 و وکیل مطلق و بخشی گری فوج سرفرازی داشت و ناصر جنگ منسوب بہ نواب بیگم صبیہ طرہ بازخان  
 یعنی روشن الدولہ و از بطن حضرت قدسیہ مخاطب عمدہ بیگم صاحبہ نواب غفران آب میر نظام علیخان  
 مرحوم و از بطن کریمہ بانو بیگم صلالت جنگ بہادر و از بطن کھاحب بی بی بسالت جنگ و از بطن  
 نجمت بانو محل علیخان بہادر کہ از خواص ہاندز ہرہ بیگم میرا شنی و دیگر اسم دیگر بودند کہ اولاد  
 از بطن آہنایست و رسم شادی غازی الدین خان فیروز جنگ مسطور پسر نخستین آصفیہ

در سال ۱۰۳۰ ہجری قمری  
 در ششہ صلالت جنگ

سفرت آّب از زیب انسا بیگم صبیہ قمر الدین خان مغفور خلف نواب محمد امین خان بہادر است  
 کہ قمر الدین خان از شکم شولہ پوری بیگم پنج اولاد بودند سه پسر و دو دختر پسر اولین میر بدر الدین خان  
 دومی نواب نظام الدین خان خانان کہ چندمی وزیر احمد شاہ بادشاہ گردید سومی نواب معین الملک  
 رستم ہند عرف میر منو نام دختر آن زیب انسا بیگم و بدر انسا بیگم از بطن زیب انسا بیگم موصوفہ  
 غازی الدین خان عماد الملک اند کہ رسم شادی ایشان از عمدۃ انسا بیگم صبیہ معین الملک بہادر  
 پسر قمر الدین خان مذکور عمل آمدہ است از بطن عمدۃ انسا بیگم دو پسر متعلی جاہ بہادر و قطب الملک  
 و نصیر الدولہ بہادر از بطن گونا بیگم کہ بیگم مذکور از بطن سرس روپ طوائف ساکن لکھنؤ و از بطن  
 بہجو بیگم طوائف از بچکانیہا سے نور بائی حمید الدولہ بہادر و از بطن قمر انسا بیگم خانم کہ سیدانی  
 ذی خاندان غلام محی الدین خان و خواجہ محمد بخش خان و از بطن امینا خانم غلام علی خان  
 و از شکم بیگما جو کہ ہمبیرین قیاس است و از بطن مانگنور گاین حسین بخش خان و متعلی جاہ را از بطن  
 خانم خود و روانہ خانم نامی چہار دختر و یک فرزند دارند نام دختران گوہر انسا بیگم و ظہیر انسا بیگم  
 و امیر انسا بیگم و وزیر انسا بیگم ظہیر انسا بیگم منسوب از سید احمد علی خان فرزند سید امجد علی خان  
 و نام فرزند معظم الدین خان و از خواص ہاشم فرزند دیگر یکی میر ابو سعید دوم میر امیر الدین سوم  
 میر برہان الدین چہارم میر میر الدین و قطب الملک و یک دختر بنو بیگم و از بطن واصلہ خواہ نام  
 مخاطب عرف اچھی نامی دو فرزند فرزند کلان میر مکرم الدین علی خان و خورد میر نصیر الدین خان  
 و سہ دختران دُر نشان بیگم و حرمت انسا بیگم و فاطمہ بیگم و فاطمہ بیگم و سطلی مسطورہ منسوب از  
 سید غیرت علی خان پسر دومی امیر امجد علی خان مذکور است و حرمت انسا بیگم سیوی نام زد بکوان جاہ  
 بہادر شدہ بود بعد ازاں بہ میر معظم الدین خان مذکور پسر متعلی جاہ دور افشان بیگم منسوب  
 بہ خواجہ غلام نقش بند خان پسر خود بہادر الدولہ بعد انتقال راحت انسا بیگم زوجہ یعنی صبیہ  
 فرید و بجاہ و انتقال عماد الملک مذکور در ۱۲۵۵ ہجری در کاپلی بہاہ ربیع الثانی شدہ است و فیض انسا بیگم  
 نامی صبیہ نواب قمر الدین خان منسوب بمیر قطبی صاحب و از بطن مومی ایہا نجیبہ بیگم خواجہ  
 قطب الدین خان در ۱۲۳۵ ہجری در گذشتند و ایشان منسوب بہ حاجی بیگم صبیہ عماد الملک  
 ہمیشہ حمید الدولہ مذکور و از ہمیشہ حمید الدولہ دو دختر یکی حسینی بیگم منسوب از خواجہ نعمت اللہ خان

دومی بند و بیگم که حمید الدوله بمیرزا محمد مغل منسوب نموده بودند لا ولد فوت شدند و از شکم دیگر خواصان  
 خواجه قطب الدین خان را دو فرزند و چهار دختر هستند و حمید الدوله را یک پسر میر غلام عبدالقادر خان  
 و یک دختر و محی الدوله را سه پسر هستند و میر اعظم علیخان دسیرا کبر علی خان و میر صدر الدین خان و امجد  
 علیخان دو برادر یکی خان معز و دومی میر نظیر علیخان که در مرشد آباد بمسوده خانسانا منی بیگم  
 صاحبه سرفراز بود در ۱۲۳۶ در مرشد آباد و دعوت حیات سپرد و هیولا در ما با ذات میر امجد علی خان  
 مذکور بواسطه دیهات جاگیر دوازده هزار روپیه سال مبلغ هشتصد روپیه اصل و اضافت است  
 در راهیه دو فرزند آن به بخت روپیه ماهوار مقرر و کرا و اولاد مغفرت مآب اصفی و مرحوم  
 میر احمد خان ناصر جنگ را سه حبیب بودند یکی با اسم حاجی بیگم منصور جنگ و ولد خواجه بابا خان  
 منسوب شده بودند و از بطن حاجی بیگم مسطوره دو حبیب یکی بنام وزیر انصار بیگم که بنظامت خویش  
 برادر خانان بلخ منسوب شده بود و یک پسر و یک دختر بیگم پادشاه از بطن وزیر انصار بیگم زنده است  
 و بیگم مذکوره فوت کرد نظامت جنگ خویش منصور جنگ مرحوم و منصور جنگ خویش ناصر جنگ  
 شهید خلف مغفرت مآب بودند و ناصر جنگ را سه حبیب یکی حاجی بیگم مسطوره دوم بنام امانی بیگم که  
 بفرزند مغل علیخان مرحوم نام آور جنگ منسوب شده بودند لا ولد فوت نمود و حبیب سیم بنام فرحت بیگم  
 منسوب بعبد الهادی خان قصور جنگ و لد عوصن خان خرد خویش مغفرت مآب بودند بنسبه  
 عوصن خان کلاں که پسر یعنی شوهر عمر مغفرت مآب صوبه دار لاهور و برار بودند و ناصر جنگ چشم  
 پسرند بود و ناصر جنگ مرحوم در ۱۲۳۰ از سو جانیان افغانه موافق اشاره همت خان و غیسره  
 افغانه کرنول و کزپاک بظاہر در پمراجی ناصر جنگ و در باطن از هدایت محی الدین خان موافقت  
 میداشت بزرگم گولی شهید گردیدند و سعد الله خان ملقب به هدایت محی الدین خان مظفر جنگ  
 ولد متوسل خان همیشه زاده نواب ناصر جنگ مرحوم بود و متوسل خان مذکور دو پسر داشت طالب  
 محی الدین خان و هدایت محی الدین خان منسوب بسید شاه بیگم لا ولد بود پسر کسی سید گرفته تبنی  
 نموده بود بنام حضرت الله خان هدایت محی الدین خان مذکور به اعتقاد افغانه بجای ناصر جنگ مرحوم  
 بایات قرار یافت و بفاصله دو ماه در جنگ همت خان و خان مذکور هر دو کشته شدند منصور جنگ  
 و امانا ناصر جنگ بعد سیف جنگ بخشی گری رساله سایر و تعلقه فلکند و دیو کنده در عهد غفران مآب سرفراز

یافت بودند جاگیر او شان تندگانوں وغیره و بیہات بودید محمد خان صلابت جنگ پسر موسی آصفیہ  
 تجویز موسی پوسی بر مسند ریاست نسبت رسم شادی صلابت جنگ از عالی بیگم صبیہ میر سید محمد منصبدا  
 شدہ بود از شکم شان اولاد بہ عارضہ عین بہادر معز نہ بود و وزن حامل کہ باشکم آمدہ بودند بنا بر مصلحت  
 داخل محل کرہ بودند و پسر وقتیکہ تولد شدند یا سہ اولاد صلابت جنگ در مردم اشتہار و او اند ہر دو  
 زندہ اندیکی بنام قمر الدین خان مخاطب بہ جنگی شاہزادہ و دومی سراج الدین خان سراج الدولہ از  
 میر قمر الدین مذکور عن بطن خواص دو فرزند یکی پسر دومی دختر و از سراج الدین عن بطن خواص  
 سہ فرزند دو پسر و یک دختر پسر چہارمی آصفیہ میر شریف خان بہادر بسالت جنگ مرحوم شادی  
 بعمل نیامدہ مگر خواصان کہ رسم این خاندان است از گوری بیگم نامی طوائف بود از بطن آن اولاد  
 نشدہ بسالت جنگ مرحوم را از خواص ہا نہ پسر و چہار دختر متولد شدند نام پسر کلاں  
 مہابت جنگ بہادر لقب بہادر اچاہ غفرانآب منسوب بہ نقشبندی بیگم نمودہ و در ستم جنگ  
 میر عظیم الدین خان بہادر غفران آب منسوب بسیمہ بیگم و در ستم یار جنگ بہادر بیہاں آرا بیگم  
 صبیہ غفران منزل منسوب نمود و میر حمید الدین خان بہادر لا ولد فوت شدند وغیرت یاب جنگ بہادر  
 منسوب از ساجدہ بیگم صبیہ غفرانآب و از مرث النساء بیگم صبیہ منصور جنگ منسوب شد از ایشان  
 میر قوچ علی و قمر النساء بیگم و بد النساء بیگم متولد شد و از سردار جنگ بہادر و افراسیاب  
 جنگ و اسفندیار جنگ بہادر و شیر جنگ بہادر سپہ سالار جنگ بہادر و صبیہ ہا مراتب النساء بیگم  
 و عزت النساء بیگم و بد النساء بیگم و رشید النساء بیگم و بدر النساء بیگم و افراسیاب جنگ زناتہ وضع در  
 محل خواص ہا داشتند پسران با اسم میر عزیز اللہ و میر فضل اللہ و میر بہادر علی و میر تہور علی و میر  
 بہروز علی با اسم وزیر النساء بیگم و شیر جنگ بہادر بتاریخ ۶ ربیع الاول ۱۲۳۲ لایہ وفات یافت  
 بہادر مذکور از خواص ہا پسر با اسم میر بشارت علی و صبیہ با اسم قمر النساء بیگم و سعید النساء بیگم اند و در  
 ۱۲۲۶ لایہ نقشبندی بیگم بسبب رویہ بد با شاہ رئیس حال یعنی سکندر جاہ بہادر بقتل رسید  
 منجمد نہ پسران پنج اسم لغایت ۱۲۳۸ لایہ بقید حیات اند و چہار پسران فوت شدند نام دختران  
 بسالت جنگ مرحوم رحمت النساء بیگم عرف بنما و بیگم از ممتاز الامرا بہادر منسوب اند لا ولد صالح  
 مخاطب بہ بیہو بیگم از عالیجاہ خلف غفرانآب کتھا شدند ولایتی بیگم از پسر سوات النساء بیگم

مسمی خواجه حیات اللہ خان خیراتی صاحب بقدرت النسابیگم صبیہ خواجه فیروز جنگ است منسوب  
 شدہ لا ولد فوت شدہ بیگم از نظام صاحب فرزند ممتاز الامرا بہادر شادی شدہ لا ولد غلام حسین خان  
 فرزند دارا جاہ مرحوم عن ذات از بطن خواص و از بطن نقش بندی بیگم مسطورہ صبیہ باسم نور النسابیگم  
 است و خیر النساء بیگم کہ لعبد اللہ خان مغل برادر خان شیراز منسوب است و در ستم یار جنگ  
 کہ بصبیہ غفران تآب مسآة جہاں آرا بیگم منسوب اول ۲۹ ربیع الاول بیگم مسطور و ۱۶ رجب ۱۲۳۲  
 معزوفات یافت پسر بیخچی مغفرتآب ہمایون جاہ عرف مغل علی خان بہادر کہ رسم شادی  
 باود ہن بیگم نامی ہمیشہ نظامت جنگ ولد خانان بلخ خویش منصور جنگ قطب الامر بہادر است  
 بمحل آمدہ از بطن اولاد نیست از بطن خواص با ۱۲ پسر و ۱ دختر نام پسران نام آور جنگ بہادر  
 و شرف یار جنگ بہادر و میر نظام الدین خان و میر بہا و الدین خان و میر جمال الدین و خیراتی  
 و میر انور الدین خان استم و ختران اختر النسابیگم و قمر النسابیگم و ماہ بیگم و مجید النسابیگم و دولت  
 بیگم و کبیر النسابیگم و خورم بیگم از نام آور جنگ مذکور و امافی بیگم صبیہ منصور جنگ از مملکی جاہ  
 منسوب شد لا ولد قضا کرد عن خواص با در محل پسران میر ناصر علی و میر پرورش علی و میر  
 امام الدین علی از فیروز یاب جنگ بہادر مذکور عن خواص پسر باسم سراج الدین صبیہ با وزیر بیگم  
 عن نصرت یاب جنگ بہادر عن خواص با یک صبیہ باسم دلدار النسابیگم و حیات النسابیگم از  
 فیضاب جنگ بہادر مذکور عن خواص با پسر بنام میر بہادر علی و میر بہار الدین علی و غیرہ چہار پسر  
 و صبیہ باسم رحمت النسابیگم از شرف یار جنگ بہادر مذکور عن خواص با صبیہ باسم لطف النسابیگم  
 از میر فیاض الدین مسطور معظم النسابیگم صبیہ منصور جنگ بہادر قطب الامر ابالی جاہ منسوب شد  
 از ایشان دو صبیہ تولد شد پسران از خواصان عن خواص با بر ہاپوری بیگم و از مخرباب جنگ  
 بہادر مذکور کہ رسم شادی با امیر النسابیگم صاحبزادی حضرت غفران تآب بمحل آمدہ فرزند  
 باسم نور الدین علی است از صبیہ با مغل علیخان مرحوم رسم شادی اختر النسابیگم با خواجہ موزا  
 خان پسر تقیہ بیگم بمحل آمدہ و قمر النسابیگم از بندہ علی خان پسر خواجہ بایقزخان و ماہ بیگم  
 منسوب از خواجہ نصیر خان پسر ماہ بیگم میر تہور علی خان متولد است رسم شادی کبیر النسابیگم  
 از خواجہ غلام حسین خان رسم شادی خورم بیگم از عبد الصمد خان ہمیشہ زادہ نواب منصور جنگ

قرالدوله قمرالملک قطب الامرا العالی جاہ منسوب شد باسم خواجہ شمس الدین متولد است پسر چهارم  
 مغفرت مآب میر نظام علیخان غفران مآب که در سن یکہزار و یکصد و ہفتاد و پنج ہجری  
 بر ریاست تسلط شدند و در سنہ یکہزار و دویصد و ہجده ہجری بتاریخ ۳۲ رجب الثانی کوس  
 رحلت از این جهان فانی فرد کوفت و در بیت و در تاریخ سال تعزیه غفران مآب و تہنیت جلوس  
 آصفیہ ثانی از سید محمد مخلص ایمان است بیت

ہزار حیف ز عالم گذشت آصفیہ ہزار شکر کہ فرزند نامدار بمسند  
 بگفت پیر فلک گرچہ از نیستان رفت در یتیم از و بصر یادگار بمسند  
 سواری خاص و خانم ہا کہ داشتند از زیب النساء بیگم نامی عرف بر ان پوری بیگم صبیہ خواحم  
 قلیخان مخاطب بمحترم الدوید کہ از منصبداران برادر پیکر بیگ خان بود رسم نکاح بمحل  
 آمدہ بر ان پوری بیگم مذکور بتاریخ ششم رجب الاول ۱۲۳۵ لیلہ وفات یافت و در تکیہ جنوبی  
 صاحب متصل تکیہ بود صاحب بموجب وصیت دفن کردند و زینت النساء بیگم صاحبہ در ۱۲۳۱  
 وفات یافت در کتبہ مسجد دفن شد و جانی بیگم و سلطانی بیگم وغیرہ از و اج بسیار بودند  
 سلطان بیگم در ۱۲۳۳ وفات یافت و عنایت النساء بیگم والدہ فرود بد و سجاہ مرحوم ہفتم  
 شوال ۱۲۳۶ وفات یافت و بخش بیگم صاحبہ مغفورہ زوجہ کلاں را عوض جاگیر ات کہ سپرد  
 راجہ گویند بخش بہادر است در سال تمام در صورت ہنگام پنجا ہزار روپیہ در صورت غیر ہنگام  
 چہل ہزار روپیہ بوصول میر رسید سی و یکہزار و چہار صد روپیہ نقد و جواہر کہ راجہ چند و لعل بہا  
 در حین حیات تواضع کردہ بودند بندگان خالی حال کہ از وقت انتقال بیگم موصوفہ قبل از چہا پنج  
 سال جواہر قریب پانزود ہزار روپیہ کہ از نزد راجہ چند و لعل بہادر دہانیدہ بودند ہمیں قدر بعد  
 انتقال بر آمد باقی ہمہ جواہر عنایتی غفران مآب و نقد وغیرہ بمساکین و مشائخ وغیرہ بار ہا  
 تقسیم نمودند و ہجرت ہشتاد سالہ رسیدہ در ۱۲۳۹ انتقال نمودند و سکندر جاہ بہادر در فرزند سی  
 شان بودند وقت انتقال ملاقات از بندگان خالی حال نشد مگر از قبل پنج و شش روز کہ ملاقات  
 شدہ حضرت خود و لدا رہا نمودہ و وا از دست خاص نوشتانیدند و کفن و پلنگ وغیرہ رو برو  
 خود از پیشتر تیار داشتہ و وصیت کردہ بودند کہ در مکان کتبہ مسجد پائیں غفران مآب دفن نمایند

و شامیان سفید بجز چو تره کج و دیگر ایسج لازم تکلف نباشد چنانچه همین بمل آمد و غفران مآب  
 میر احمد خان عالی جاه مرحوم تولد مرحوم مذکور در سنه یک هزار و یکصد و شصت و شصت و شصت هجری  
 بمل آمده است رسم شادی از صبیح صلح بیگم صبیح بسالت جنگ مرحوم مخاطب با اسم بیگم  
 در سنه یک هزار و یکصد و هشتاد و شش بمل آمده و انتقال مرحوم مذکور در سنه یک هزار و دو صد  
 و ده هجری گردیده بیگم مذکور نیز فوت شد صبیح با اسم عالم آرا بیگم منسوب بنامدار جنگ  
 پسر مغل علیخان مشاّر الیه فوت کرد و ظهور النساء بیگم منسوب از خواجه نجم الدین خان مرحوم فرزند  
 خواجه شهید خان نبیره عیوض خان مرحوم صبیح ظهور النساء بیگم مسطوره با اسم گوهر النساء بیگم  
 منسوب از خواجه داود علی خان پسر خواجه قلندر خان مرحوم مشاّر الیه فوت شد لا ولد پسر  
 دومی حضرت غفران مآب میر سبحان علی خان فرید و بنجاه بهادر وقت انتقال عمر تخمیناً چهل  
 سال بود و رسم شادی بمل نیامده از خواصان فرزندان با اسم جهاندار جنگ که هفتم  
 رمضان سنه ۱۲۳۳ هجری فوت شد و شجاعت جنگ از بطن جمیل النساء بیگم منصور جنگ از بطن  
 امتیاز النساء بیگم و میر حسن علی از بطن دلنواز بانو و صبیح با اسم دلاور النساء بیگم منسوب بعلی الشدخان  
 فرزند سعید الشدخان مرحوم مذکور عموی شکوه جنگ مقتول است و محمد بیگم به ظهیر جنگ  
 پسر جمشید جاه منسوب و سعید النساء بیگم بقیام الدین خان نبیره حیدر جنگ منسوب و  
 دار النساء بیگم منسوب بمظهر علی خان بهادر فرزند نجر النساء بیگم است و راحت النساء بیگم منسوب  
 بنواجه غلام فوجدار خان بهادر و چین آرا بیگم و ویدار النساء بیگم و دبد النساء بیگم از بطن حبیب النساء  
 بیگم از عبدالحق خان منسوب شده است معظم النساء بیگم صبیح کلان از بطن امتیاز النساء بیگم  
 که فوت کرد از خواجه محمد یوسف خان بهادر پسر بهادر الدوله بهادر مرحوم منسوب و راحت النساء بیگم  
 از بطن کریما بانو بنواجه نقشبند خان منسوب و چین آرا بیگم از بطن روشن بیگم هنوز ناکتند  
 و محمد بیگم مذکور از بطن امتیاز النساء بیگم و سعید النساء بیگم از بطن امیر بیگم و داود النساء بیگم و  
 دلاور النساء بیگم از بطن جمیل النساء بیگم فرزندان مذکور هفت هزار و پیه ماهوار و نقد یا بند  
 پسر سیومی غفران مآب ذوالفقار علی خان بهادر جهاندار جاه رسم شادی بهادر معز بمل  
 نیامده در محل خواص با دارند عمر تخمیناً چهل و چهار سال از جهاندار جاه بهادر یک صبیح متولد است

باسم تاج النسابکیم غنوب بحمدین یاوردالدوله پسر مختار الامرا بهادر دیگر از جهاندار جاه بهادر  
 اطفال نیستند شش هزار روپیه ماهوار مقرر است پسر چهارمی حضرت غفرانآب میر نظام علی  
 بهادر جمشید جاه مرحوم در سنه یک هزار و نود و هفت هجری متولد شدند و در سنه یک هزار و صد  
 و پانزده هجری انتقال کردند رسم شادی بعمل نیامده بود از خواص با فرزندان باسم ظهیر جنگ  
 و دار جنگ بهادر و سپه دار جنگ بهادر و ظهیر جنگ از بطن جمشید با نو سپه دار جنگ  
 از بطن مهرخ با نو پسر پنجمین حضرت غفران آب و برادر حقیقی حضرت بندگانی میر ظهیر علی  
 بهادر اکبر جاه بهادر عمر تخمیناً چهل و دو سال رسم شادی بعمل نیامده در محل خواص با دارند  
 فرزند باسم میر بهرام الدین خان صبیہ بنام بلند اختر بیگم و جهان افروز بیگم شش هزار روپیه  
 ماهوار نقدی می یابند و فرزند دوم میر سعادت علیخان بسبب چوپک از چشم معذور است  
 و بلند اختر بیگم بمر بست ساله از مصمام الدوله فرزند دومی بندگانی حال نامروده است  
 هنوز رسم شادی بعمل نیامده و جهان افروز بیگم هنوز ناکند و فرزند ششم حضرت غفران آب  
 میر جهانگیر علیخان بهادر سلیمان جاه عمر تخمیناً سی و نه سال رسم شادی بعمل نیامده در محل  
 خواص با دارند والده حیات النسابکیم و دو فرزند یکی بخشو صاحب و دومی بهار و صاحب  
 و بهادر معز شش هزار روپیه ماهوار نقدی می یابند مگر حیات النسابکیم بقید حیات و از میر  
 تفضل علی پسر بندگانی حال از بطن جهان پرور بیگم صاحبه زوجه شادی پسر هفتم  
 حضرت غفران آب میر جهاندار علیخان بهادر کیوان جاه عمر تخمیناً است و دو سال نسبت  
 شادی از صبیہ قطب الملک بهادر خلف عماد الملک مرحوم مقرر شده بود هنوز شادی بعمل  
 نیامده چرا که ارسطو جاه مرحوم بموجب حکم غفران آب بهادر معز با مقبتی خود نموده بود و رسم  
 شادی در التوای ماند و در محل خواص بهادر دارند فرزندان که تولد میشوند می میرند یک صبیہ بمر  
 یکسال دارند فقط مبلغ پنجاه روپیه ماهوار نقدی می یابند و در سنه ۱۲۳۴ هجری دو فرزند از خواص  
 متولد شدند پنج شش شش ماهه هستند فرزند دوم حضرت غفران آب بندگانی  
 حال دام دولت و امیر اکبر علیخان بهادر سکند جاه عمر تخمیناً پنجاه و دو سال از بطن تهنیت انعام  
 صبیہ خواه محمد صلاح منصب دار عرف بی بی صاحبه و بی بی صاحبه موصوفه با کلام دختر نیست



رسم شادی بندگان عالی از حاجی بیگم عرف جهان پرور بیگم صاحبه صبیبه مالی میاں مخاطب به سیف الملک پسر  
 از سلطو جاہ مرحوم از بطن فرزند بیگم صاحبہ همیشه غیر الملک بہادر کہ رسم نکاح وغیرہ در مقام بیدر عمل آمد  
 و بعد آمدن از سلطو جاہ از قید پوز شادی کردند صاحبزادہ باسم میر تفضل علی تاریخ تولد است و ششم شعبان  
 ۱۲۱۹م است از میر تفضل علی مذکور بتاریخ عرہ رجب ۱۲۳۶م از بطن عائشہ بی دو صبیبه و یک فرزند ناورد بیگم  
 و بیجو بیگم صبیبه باوشرف الدولہ پسر میر تفضل علیخان را دو همیشه باسم غفور النساء بیگم صاحبہ منکوحہ بموجب رسم  
 خاندان عالی صبیبه منصبدار اند از ابانی نقات و واقف کار بہ تحقیق رسیدہ کہ رسم نکاح بعمل نیامد  
 صبیبه بے بدل جنگ بہادر و باید مذکور منصب دار قدیم نزد دار اجاہ بہادر جمعیت دو سہ ہزار  
 مع برادر طازم بودند بعد وفات بہادر مذکور گل بانو ناورد بیگم صاحبہ موصوفہ نامش بخشی بیگم صاحب  
 نو کرد بدان سبب غفران آب بندگان عالی حال را علیحدہ فرمودند اول بیگم صاحبہ موصوفہ  
 را در خواستگی دادند پسر آن از بطن فضیلت النساء بیگم صاحبہ عرف چاندنی بیگم باسم میر فرزند  
 علیخان بہادر ناصر الدولہ کلاں عمر تخمیناً سی سالہ کہ در ۱۲۵۵م ہجری بتاریخ ہیجده رمضان در قلہ  
 بیدر متولد گشتند بہادر مذکور را دو فرزند از خواصان تولد شدہ بودند فوت کردند رسم  
 شادی ہنوز بعمل نیامدہ دو ہزار سی صد روپیہ مع اصل و اضافہ ماہوار نقدی مقرر است فرزند بیگم  
 بندگان عالی حال میر بشیر الدین علیخان مصمام الدولہ بہادر بعمر بست و ہشت سال یک فرزند و  
 یک دختر از خواصان دارند تولد فرزند ہفت ہم رجب سنہ ۱۲۳۳م ہجری فوت شد تولد صبیبت  
 و ہفتم رجب سنہ الیہ باسم شہزادی بیگم از بطن سروناز بیو بہر نہ سالہ گھیشا بیگم از بطن سنجا و بیگم  
 معمر دو سالہ مبلغ دو ہزار و سہ صد روپیہ ماہوار نقدی مقرر است و فرزند آن بانم محمد دار علی معمر یک  
 و نیم سالہ دیر قادر علی از بطن مسجدی بیگم بعمر یک سالہ فرزند سوم میر گوہر علیخان مبارز الدولہ بہادر  
 بعمر بست و شش سالہ مبلغ دو ہزار و سی صد روپیہ ماہوار نقدی مقرر است یک فرزند و دو دختر از  
 خواصان متولد شدہ است تاریخ تولد ہفتم رجب سنہ الیہ دومی افضل النساء تولد ہفتدہم رمضان سنہ الیہ  
 و دیگر فرزند بیگم رمضان سنہ ۱۲۳۱م در قلہ گوگندہ متولد شد فوت شد فرزند نخستین کہ بر در جنگ  
 متولد بنام میر شہر علی در ۱۲۳۳م و فرزند دوم کہ در قلہ متولد شدہ بعمر دو سالہ موجودہ صبیبه باسم  
 فضیلت النساء بیگم صاحبہ موصوفہ باسم جمال النساء بیگم بیوہ تاج الدین خان مرحوم را منسوب بود

ص ۱۲  
 عمر بست و شش سالہ و نامہ دار النساء بیگم معمر بست سالہ  
 ناکتند و اند و فضیلت النساء بیگم

و غیر از آن

و کمال النساء بیگم زوجه امتیاز الدوله بهادر از بطن بیگم مسطوره اولاد متولد نه شده و از بطن رفعت النساء  
 بیگم صاحب که بی بی صاحبه ممدوحه بندگانه عالی را داده و فرزند غریبی بوده اند میر محمود تاج تولد است  
 و هشتم رجب سال ۱۲۲۰ و صبیبه باسم سخت افزون بیگم بعمر چهارده ساله ناکتخدا بود از میر فیروز علی خلیف  
 عبرت یاب جنگ بن بسالت جنگ هم ذیحجه سال ۱۲۳۶ منگوح شد از بطن بود نشاد کثیر حضرت الشاه بیگم  
 بعمر ۹ ساله ناکتخدا و از بطن بود چلی کتیز میر منور علی تاج تولد ربيع الاول سال ۱۲۲۱ از شکم بود  
 میر فیاض علی تاج ۹ رمضان المبارک سال ۱۲۳۱ از بطن زهره خانم میر دلدار علی تاج تولد ۹ ار  
 جمادی الثانی سال ۱۲۳۲ است از بطن مهتاب خانم فرزند تولد شده بود و بعد کمه فوت شد  
 میر فتح علی از بطن نجیب النساء بیگم فقط سه پسر حضرت عفران تاج کلان کی فخر النساء بیگم  
 فتحیاب الدوله مرحوم منسوب بود فتح یاب الدوله و ظفر یاب الدوله هر دو برادر حقیقی پسران مرحمت خان بیگم  
 اولاد عومش خان مرحوم بودند فرزند باسم خواجه مظفر علیخان از اولاد النساء بیگم صبیبه میر سبحان علیخان  
 فریدون جاه مرحوم منسوب و دیگر فرزند خواجه شجاعت علی خان و خواجه دلدار علیخان و صبیبه  
 فخر النساء بیگم صاحبه موصوفه باسم عزت النساء بیگم از منور جنگ پسر کی تا از جنگ منسوب پوتی با  
 سلج النساء بیگم نو اسه یعنی پسران عشرت النساء بیگم دلدار علی و نامدار علی و کامگار علی صبیبه دوم حضرت  
 عفران تاج جهان آرا بیگم صاحبه از ستم یار جنگ بهادر فرزند بسالت جنگ مرحوم رسم شادی  
 بعمل آمده هر دو فوت شدند صبیبه سوم ساجده بیگم صاحب نامی از غیرت یار جنگ بهادر  
 پسر بسالت جنگ مرحوم شادی و منگوح شد از بطن بیگم صاحبه موصوفه پسر باسم میر فیروز علی و صبیبه  
 باسم غیب النساء بیگم منسوب پس نظامت جنگ مرحوم صبیبه چهارم حضرت عفران تاج امیر النساء بیگم  
 از فخر یاب جنگ بهادر فرزند مغل علیخان مرحوم رسم شادی بعمل آمده از بطن بیگم موصوفه پسر باسم  
 نورالدین علی صاحب صبیبه پنجم حضرت عفران تاج سلیم بیگم صاحب از ستم جنگ بهادر فرزند بسالت جنگ  
 مرحوم شادی گردید از بطن بیگم موصوفه یک دختر بنام دلارا بیگم متولد شد و مراد صبیبه ششم حضرت عفران  
 بشیر النساء بیگم از شمس لاهر بهادر شادی گردید بهادر نکور فرزند تیغ جنگ مرحوم که حیثت یارگاه  
 سوار و بار جمله شمش هزار و در عوض تنخواه جامد از محالات قریب بست و هشت لک روپیه  
 فرزندان از بطن بیگم موصوفه فرید الدین خان و رفیع الدین خان و کن الدین علی خان و

عشرت النساء بیگم

میر تهر علی و صبیهها با اسم بلقیس مال بیگم و سراج النساء بیگم و سید النساء بیگم صبیه هفتم حضرت عفران  
 ریاض النساء بیگم مرحومه از خان شیراز شادی شد از لطن بیگم مرحومه پسر بنام میر عباس علی صبیه  
 با اسم بادشاه بیگم و منور النساء بیگم صبیه هشتم حضرت عفران آاب که از همه کلان و اول بود نقشبندی  
 صاحب مرحومه که از مهاجرت جنگ مرحوم پسر سالت جنگ مغفور متعقد بود و شادی گردید از لطن بیگم  
 مرحومه صبیه بنام خیر النساء بیگم که بیگم مسطور از عبد اللہ خان برادر خان شیراز منسوب شده و خان  
 مسطور برادر کلان خان شیراز محمد علیخان نام دارند برادر وسط حسین علیخان برادر کوچک علیخان  
 پسر علی مردان خان مرحوم و از قنطاس خان مرحوم بنی عم کریم خان بوکیل از سلسله زیدیه خان  
 ایران محمد علیخان مذکور از ولایت آمده ملازمت حضرت عفران آاب حاصل نمود و چند  
 ریاض النساء بیگم همیشه فریدون جاه مرحوم منسوب شده بدو ماهه دو هزار روپیه سرفرازی یافتند  
 و برادر کوچک ایشان عبد اللہ خان با هواری مع توابعین و غیره لواحق قریب دو هزار روپیه می یابند  
 و بسبب منوبی این دو برادر این شد که چون چهاں پرور بیگم بکنند رجاه بہادر منوب گردیدند  
 حضرت موصوف در خانہ خود ذکر کردند کہ دختر شیعہ سنی را اگر نقن مناسب است از استماع این خبر  
 اسطو جان بہادر این ہر دو برادر این ہر دو برادر سنی مقرر نمود خان شیراز لقب دادہ خود ضامن  
 شدہ قسم کلام اللہ انہارا از روئے اھیلان مہ کار خورائیدہ بر ترکیب منوب کنانیدہ - صبیه نهم حضرت  
 عفران آاب قمر النساء بیگم مرحومہ عرف کوبیگم کہ از خواجہ ہاشم خان منوب بود و خواجہ ہاشم  
 خان مذکور از لطن رابعہ بیگم صبیه نواب قمر الدین خان فرزند کہ از و شان مہ پسر تولد شد تکلان  
 خواجہ یوسف خان و دویم خواجہ ہاشم خان و سومی خواجہ جعفر خان اولاد خواجہ ہاشم خان مذکور  
 از لطن ثلث النساء بیگم مسطور با اسم خواجہ عظیم الدین خان عرف خواجہ بادشاہ عمر تخینا سی سالہ  
 دارند صبیه و ہم حضرت عفران آاب کاہلی بیگم از خواجہ بدیع اللہ خان ناظم جنگ منوب بود  
 خواجہ بدیع اللہ مزبور از اینجافری شدہ در بر بہنورا انتقال کردند بیگم مذکور چندے در بارہ  
 لاولد انتقال کرد دیگر صبیه ہائے عفران آاب کہ انتقال کردند مثل بدری بیگم ہمیں طور دیگر نیز ہجہار  
 اسم خوانند بودہ ذکر دختران اصغیہ چین قلیج خان مغفرت آاب از لطن بیگم بادشاہ بیگم و محسنہ بیگم  
 از لطن سید النساء بیگم بدر النساء بیگم ماہ بانو بیگم محبتہ بانو بیگم عرف خان بہادر کمرہ بانو بیگم عرف

کالی بیگم است شادی محسنه بیگم از متوسل خان شده فرزند با اسم هدایت محی الدین خان مظفر جنگ  
 و طالب الدین خان و تاج النساء بیگم در پرورشش هدایت محی الدین خان شریک بودند شادی  
 کریم بیگم عرف کالی بیگم از میرکلاں خان بخل آمده فرزند مختار الامرا بهادر که به بختاور بیگم صبیبه بالت  
 جنگ مرحوم منسوب بود بهادر معزور حین حیات عفران مآب خطی به شیو سلطان نوشته بودند  
 و قتیله شیو سلطان کشته شد خط مذکور از قلم دران او پیش صاحب عالیستان حضرت جنگ بهادر  
 مغفور رسید مرحوم مذکور در حضور استفسار نمودند که مختار الامرا بهادر با جازت حضور نوشته  
 باشد خود بدولت بمقتضای وقت انکار فرمودند و غیر از اخراج مختار الامرا چاره نشد از الوقت  
 بهادر معزور کلیانی قیام دارند و مختار الامرا بهادر هفت پسر دارند از خواص یکی امتیاز الدوله بهادر  
 خویش بندگان عالی حال منسوب از کمال النساء بیگم صاحبزادی حضور که در نیولا از حرکات خود داخل  
 قلعه گوکنده بند بودند و وی حسن یا و الدوله از کعبه جهاندار جاه با اسم تاج النساء بیگم که فوت  
 شد منسوب بود پسرکلاں نظام صاحب است از موقی بیگم صبیبه بالت جنگ مرحوم منسوب است  
 و باقی چهار پسران بهادر معزور شادی نشده است و ماورای امتیاز الدوله بهادر بختاور بیگم نیت بهادر  
 معزور متولد از خواصی است عمر امتیاز الدوله بهادر کلاں تخمیناً شصت و هفت ساله شده بتیاج  
 دهم جمادی الاول ۱۲۳۳ هجری و قلعه کلیانی و ولایت حیات پسر و خواجه عبداللہ خان ترکستانی قریب  
 قدم بار در گاه حضرت امام است یکی از اولاد مجاوران در گاه موصوف که در بند سورت بودند  
 سوگاری نمودند و قتیله و حیدرآباد رسید عند الملاقات نواب مغفرت مآب نامبرده را ذی خود  
 صاحب استعداد کارکنی ریاست یافته مقرب خود ساخته از راه قردانی بخدمت دیوانی سفر  
 فرمودند مشارالیه را هشت پسر و سه و دو صبیبه فرزند از زوج اول یکی خواجه عباد اللہ خان دیوبندی  
 خواجه هدایت اللہ خان سومی خواجه عنایت اللہ خان و از زوجه شکوه دیگر که سه فرزند و دو دختر  
 فرزند کلاں خواجه نعمت اللہ خان که منسوب همیشه میرکلاں خان بود و صاحب جمعیت و عصره و خواجه  
 شستن مغفرت مآب روشناس دیوبندی خواجه سعید اللہ خان که چندان روشناس نبود بلکه درین  
 سرکار شکوه جنگ بهادر غیره خواجه عبداللہ خان همکاب نواب مغفرت مآب از شاه جهان آباد  
 بود و از نواب مغفرت مآب هم قرابت نداشت از خواجه معز شش فرزند کلاں خواجه نعمت اللہ

شکوه جنگ دانا و کالی بیگم عرف کرمه بانو بیگم همشیره حضرت غفران مآب از بطن صید بیگم مسطور  
 و سه فرزند کلاں خواجہ خلیل اللہ خاں شکوه جنگ که گشایں را کشته مقتول شدند و دویم خواجہ  
 خلیل اللہ خاں که بقید حیات اند سومی حمید اللہ خاں فرزند دویم خواجہ عبد اللہ خاں مسطور  
 باسم سید اللہ خاں از ایشان فرزند بنام علی اللہ خاں بقید حیات اند سوم خواجہ عباد اللہ خاں فوت  
 کردند چهارم خواجہ بدایت اللہ خاں فوت کردند پنجم خواجہ نور اللہ خاں فوت کردند ششم  
 خواجہ فیض اللہ خاں فوت کردند شادی با دوشاه بیگم صید و مغفرت مآب به سید باوا خاں  
 جد منصور جنگ مرحوم شادی بخت بانو بیگم عرف خان بہادر از رسیدن منغل ولایتی که بعد شادی  
 روانه ولایت شد جمعیت در پیره بندی رکاب حضور پر نور بندگان عالی حال است بموجب  
 تفصیل ذیل -

۲۵۰۰ نفر

مادر علینگ خان بار قادر علیخان بخش لکنان بار

سید رسول خان بار

۲۰۰۰ نفر ۲۰۰۰ نفر ۲۰۰۰ نفر ۲۰۰۰ نفر

جو آنال بار موسی رہمو - آلا نواز جنگ بہادر سوار و بار - جعفر یار جنگ و غیرہ در علاقہ

۱۰۰۰ نفر ۳۰۰ نفر ۵۰۰ نفر ۵۰۰ نفر

راجہ چند بعل سوار و بار و غیرہ - اکبر یار جنگ - شہر یار جنگ بہادر سوار و بار - حاجی ملیا کر سوار و بار

۵۰ نفر ۵۰ نفر ۵۰ نفر ۵۰ نفر

نقشبندی خاں سوار و بار - بندہ علیخان - ضیاء الدولہ سوار - حال جدید وزیر علی خاں

۵۰ نفر ۵۰ نفر ۵۰ نفر ۵۰ نفر

سکندر قلیخان بار گیر عبد اللہ خاں سر رشته دار راجہ نذر ام سواران پائیکا - تعداد

۱۵۰ نفر جمعیت نیز ملک بہادر شمس الامرا بہادر و غیر کم و بیش ازین کم نیست -

۲۵۰۰ نفر

فصل دوم مشعر کیفیت امرائے ریاست آصفیہ از فرقہ اہل اسلام و کیفیت نواب

میرالکک بهادر ولد غیور جنگ بهادر این شیر جنگ مسطور شیخ حیدر نام از قوم نو آینه ابتدا  
 ملازم آصف جاه بعد به خدمت گاری دروکن بود چون در آمد آمد نادر شاه حضرت آصف جاه ملازم  
 دلی شد بعد بر کمال بعد فوت خان دورا خان پیش نادر شاه برود کرد و رویه صلح نموده روز دیگر  
 ملاقات محمد شاه باوشاه و نادر شاه کردند امیر الامرا و کیل مطلق بغیر و جنگ خلف آصف شاه  
 بنا بر علیه بر بان الکلک آتش افروزی ساخته اول آصف جاه و محمد شاه قمرالدین خاں را مقید  
 کنانیده دلی را غارت کنانید و آن قید این شیخ حیدر مذکور و در گاه قلی هر دو خدمتکار و در وقت  
 بودند و بروز قتل دلی آصف جاه که در خانه بر بان الکلک بودند نماز انجارت به نادر شاه استمالت نموده  
 بوقوفی قتل کنانیده و در الوقت هم این هر دو در وقت داوند نظر برین هر دو را خطاب خانی دهان  
 شیخ حیدر را حیدر یار خاں و در گاهی را در گاه قلی خاں و عطاک سوار و یک یک صد رویه  
 ماهوار مقرر فرموده مقرب داشتند بعد ازاں در عهد میر سیب محمود خاں صلابت جنگ خدمت  
 دار و غلی قلی خاں داشتند بعد به صوبه واری اورنگ آباد در عهد غفران آاب سرفرازی یافتند و  
 رسم شادی غیور جنگ ولد میرالکک بهادر از بهیو بیگ صبیبه در گاه قلی خاں عمل آمده از لطن بیگم  
 مسطور چهار پسر و دو دختر متولد شد نام پسران محمد تقی خاں اکرام الکلک بهادر و بهادر و معز را  
 اشجع الکلک بهادر و امین الکلک بهادر و هر دو دختران مذکور یکی بفرزند مهابیگم سکنه خجسته  
 بنیاد مسمی میر سید و صاحب منکوح بود و دیگری فاطمه بیگم عالی میاں سیف الملک پسر اسطور جام جم  
 منسوب بود هر دو فوت کردند و در عهد غفران آاب خدمت دیوانی بادشاهی سرفرازی یافته بودند  
 چنانچه حال بر بهادر معز بحال است مدت انتقال غیور جنگ مرحوم سی و یک سال شده و شیر جنگ  
 مرحوم لجر چهل و شش سال در گذشت و رسم شادی میرالکک بهادر از صبیبه بانس میر عالم  
 مغفور به عمل آمده بهادر معز چهار پسر از هر دو وجه دارند از زوج صبیبه میر عالم مغفور بنام  
 عبداللہ صاحب که در فرزند می زوج مغفور مذکور و او اندازین سبب میرالکک بهادر بر مال  
 و اموال و اکنه و تالاب و و کاکین بنا کرده میر عالم مغفور قابض و متصرف اند و از لطن شادی  
 دویم صبیبه مغفور بنام محمد عالم علی و غیره اند و از لطن خواص مقدر صاحب از همه فرزندان کلاں  
 تراست منجمله چهار فرزندان غیور جنگ مرحوم اکرام الکلک و اشجع الکلک از قید حیات رزگ شدند

جمعیت غیر الملک بہادر چہار صد سوار و دو صد با جمعیت امین الملک بہادر سبب سوار جاگیر و  
 یکصد سوار نگہداشت و داروغگی یکصد زنجیر فیل و سی و بیج ہزار شتر از حضور بندگان عالی دارند  
 و تنخواہ از محاسبہ کہ سپردنجا رام نائب بہادر معز است بابت خرچ و خوراک فیماں و شتران  
 از انجامی یا بند و ابدالابا کہ در جاگیر سواران است وصول آل قریب سہ لک روپیہ ظاہر  
 سواران ندارند و جاگیر میخورند و سوائے آن یکصد سوار نگہداشت مذکور را جائداد پراٹلوں  
 قوال و برگنہ جنوارہ است و کیفیت سواران مذکور این است کہ گاہی در نوکری سرکار فرستند  
 سوائے آن جاگیر ذات و غیرہ دارند و غیر پٹنہ و اوپل ہر دو مواضع جاگیر جہاں پرور یک حصہ  
 بہادر معز تقویٰ است و امین بہادر و فرزند داشتند و یک صبیہ کی حسن یا درالدولہ کہ کنائش  
 اطلاق و جاگیر خود از حضور پر نور نویساند بودہ اند بتاریخ نسبت و چہارم ربیع الاول ۱۲۳۶ ہجری  
 شراب مرد و ویسی سپہ بہادر معز در گاہ قلعخان کہ بعلت مشایخہ مشہور اند موجود - صبیہ بہادر معز از  
 باقر علیخان بہادر سپہ طالب الدولہ مرحوم منسوب و نواب غیر الملک بہادر جائداد جمعیت خود  
 برگنہ کو و لکل دارند و دیگر جاگیر ذات بہادر معز متفرق دیہات ہستند و سوائے این صاحب  
 چند و لعل بہادر بابت تحریر شش لک روپیہ میدہند - کیفیت شہر یار الملک بہادر بہادر  
 برادر زاوہ مظفر الملک بہادر ولد حسین علیخان ہر دو برادر حقیقی پالیگر بگین ملی در وقت غلام سید  
 خاں آمدہ ملازم حضور بر نوزش ندوب جمعیت و ملک کردہ پسر فراری یافتند در ان ایام سبب  
 شہر یار الملک بہادر را از آمنہ السلام بیگم صبیہ خلف غلام سید خاں مرحوم کہ از زوجہ نخستین  
 بودہ باشد و بہادر معز سہ برادر حقیقی اند منصور الدولہ و احمد علیخان و بہادر معز و ہمیشہ کلان  
 صبغتہ اللہ خاں قلعہ دارا بگیر منسوب و ہمیشہ خود بہ حکم جنگ برادر اشرف الدولہ منسوب است و  
 جمعیت بہادر معز چہار صد و شصت سوار یکصد و ہفتاد نفر بار و در جاگیر جمعیت و ذات قریب  
 پنجہ ہزار روپیہ و تہمہ نگہداشت بہادر معز ایورماندور سوائے حصہ بگین ملی سہ لک پنجاہ ہزار  
 روپیہ تخمیناً وصول مقرر است سوائے این ہیج خدمت از سرکار نیست و مظفر الملک بہادر را  
 در بگین ملی حصہ جاگیر بود و در ملی مذکور حصہ شہباز الملک بہادر و منصور الدولہ نیز بہت تقسیم  
 آن در خانگی کردند لہذا تفصیل آن معلوم نہ شد و قبکہ تعلقہ کردہ از مرحوم موقوف شد

جمعیت هم موقوف شد بعد انتقال غلام سید خان مرحوم دو صد سوار و باور ماهه ذات  
 بودند مرحوم مرزبوزار میر ابوالقاسم بی اداینها که نمودند پس امواقوفی جمعیت و در ماه ذات  
 شده روانه بنگین ملی شد پادشاه یار الملک بهادر را دو فرزند و سه دختر فرزند گلان بنام  
 رونق علیخان که سند جاگیرات و جمعیت از سرکار بنام اوست و دویم عباس علیخان و از دختران  
 مذکوره دو دختر بدو فرزند برادر خود غلام علیخان و منصور الدوله منوب و یکی بفرزند احمد علیخان  
 متوفی نامزد شده است - کیفیت غلام سید خان مرحوم مخاطب با رسلطو جاہ ولد فرخ خان خان ابن  
 دیوان حسن محمد خان قوم منڈل گیانی از نسل نوشیروان عادل متوطن قصبه سامانه مضاف  
 چکله سرهند و دیوان مذکور در برادر بودیکی دیوان حسن محمد خان و دومی محمد قاسم خان که از  
 اولادش خان نوالا مرابها در است پدر غلام سید خان مرحوم پنجاه روپیه شامل نصیب داران بود  
 مولد ارسلطو جاہ مذکور را پنجپور است و نیز تولد غلام مرتضی خان سیف الملک عرف معالی میان  
 فرزند ارسلطو جاہ مذکور در پنجپور شده هر گام سیکه در دیوانی رکن الدوله عثمان سید خان ارسلطو  
 دست و پا کرده بودند و از بلده بهر تقریب بر نمی آمدند لهذا رکن الدوله میر موسی خان مرحوم ارسلطو  
 راصوبه داری اورنگ آباد داده از حضور باشی موقوف نمودند آنوقت متعلقان ارسلطو جاہ  
 از پنجپور در اورنگ آباد آمدند بعد چهار سال از صوبه داری اورنگ آباد موقوف نموده  
 حکم حضور شد که در قلعہ اوسه باشند و به حضور حاضر نشوند بموجب حکم در قلعہ اوسه متعلقان  
 سکونت نمودند بعد انتقال رکن الدوله خان مرحوم سلسله جنیان از وقار الدوله که وکیل ظفر الدوله  
 ابراهیم بیگ مخاطب بفاضل بیگ خان بود شده آمدند وقار الدوله که تنگ مزاج بود از طور  
 ایشان آگاه شد و اخراج کرد بعد اخراج خان مرحوم نزد ظفر الدوله ریشه دیوانی کرده پیام  
 وکالت نمود که بطور وکالت خود را در حضور بر نور مامور سازند ظفر الدوله نیز از اطوار خان مرحوم  
 واقف بود انکارات کرد لیکن دولت رائے نامی متصدی خانگی ظفر الدوله را چینه توضع  
 کرده وکالت و روانگی خود در حضور بر نور قرار داده عرضی ظفر الدوله در حضور بر نور گنایند که  
 غلام سید خان را بطور وکالت خود مامور میسازم که از حضور بر نور جواب ارشاد شد که  
 این محسن کش است شما جز این را باین عهده مامور سازند بران هم باز عرضی عذریه

۴- فرخ خان خانان مسعود معقلاری اوسه سر فرزند بود و در ایتنا در ایام غلام سید خان مرحوم



انظر الدوله نویسیانیده که این قابل حضور باشی است در آن بیگام و قارالدوله خودگشته استقال  
 نموده بود بر اچه رائے رایان و نانا پندت و شمس الامراء مرحوم بر سر عرصه بودند حضور پیر نور عرضی  
 نظر الدوله به شمس الامراء مرحوم عنایت کرده استفسار فرمودند که این طور در حق غلام سیدخان  
 نظر الدوله می نویسند شایچه صلاح عرضی بسیار مذکور عرض کردند که غلام از حضور علاءالدوله  
 کسی آید یا نیاید خود را هیچ سر و کار نیست هر چند که رائے رایان به مرحوم اظهار کردند که منع آمدن  
 خان مرحوم شوند لیکن موثر نشد و موافق عرضی شمس الامراء بهیاد در طلب خان مرحوم شد و از  
 حیل و کالت که آمدند تسلط شدند و دیوانی بایشان قرار یافت چنانچه از هن تر و و ایشان در  
 ۱۲۱۵ هـ یک لک روپیه سالیانه از سرکار عظمت بهار هم قرار یافته بود و در قلعه اوسه قریب  
 هفت سال مانده بودند از سیموجب قلعه اوسه را با جمع جنگ عرف دلا میان که برادر حقیقی  
 خان مرحوم بود سپرد شد و از دلا میان چند پسر بقید حیات اند و شادی غلام سید خان مرحوم از نواب  
 بیگم دختر بهوی میان پدر گهای میان بهمن آمده است و یک پسر بنام معالی میان متولد شد  
 شادی همیشه زاده نواب بیگم مسطوره از منتظم الدوله بهمن آمده و پسر و از ندیکه رضاعی دوم  
 محمدقی هنوز هم شادی هر دو نشده عمر منتظم الدوله کتبخنا هم ۵ سال بهیاد مذکور ولد گهای میان  
 ابن بهوی میان که پیشتر قلعه و از قلعه دولت آباد و خدمت داغ رساله معالی میان غلام سید  
 خان مرحوم تفویض نموده بودند بعد موقونی صرف بقلعه داری دولت آباد از حضور غفران نواب  
 سرفرازی داشتند و شادی معالی میان مذکور از همیشه نواب میرالملك بهیاد رخا طب  
 بفرزند بیگم بهمن آمده بود فاضلی بیگم خا طب بجهان پرور بیگم صاحب محل شادی بندگان معالی  
 حال از بطن فرزند بیگم مسطوره است آمنة اسلام بیگم از بطن خواص معالی میان است شادی  
 بیگم مسطوره از شهبازا الملك شده است غلام سید خان مرحوم نایک طوائف مشهور با هم سرور افرا  
 بیگم نیز داشتند چنانچه سرور نگر بنامش آباد کرده بودند — — بعد استقال از مسطورا  
 مرحوم بعد چند سال بیگم مذکور نیز فوت کرد و هر گاه که معالی میان فوت کرد و غفران نواب  
 و از مسطورا بهیاد بسیار بیقرار و متوحش کیوان جاه را بفرزند می غلام سید خان مرحوم دادند و خان  
 مرحوم نسبت کیوان جاه بهیاد از حومت النساء بیگم صبیح قطب الملك بهیاد خلفت عماد الملك بهیاد